میدان توپخانه طهران

بازآفرینی یک میدان تاریخی

فرزاد رستمی‌پور
مهندس مشاور آمود

چندی بود که منتقدان طرح ساماندهی میدان امام خمینی (ره)، زمزمه نساختن ساختمان بلدیه سابق را تکرار می‌کردند و به نظر می‌رسید این تفکر طرفدارانی را نیز داشته باشد. استدلال می‌شد که گودبرداری انجام‌شده مزاحمتی برای ساکنان و کسبه به همراه داشته و از ابتدا چون ساختمان بلدیه در جای مناسبی قرار نداشته است، در مدتی کوتاه که البته این مدت کوتاه ۴۵ سال بوده است، آگاهانه و به‌درستی از سوی مسئولان شهری وقت تخریب شده است؛ بنابراین فضای باز موجود، فرصتی مغتنم برای ایفای نقش مفصلی در مرکز تاریخی پایتخت است.

تاکنون شنیده نشده است که پزشکی پس از مرگ بیمارش، ادعا کند مرگ بیمارش مغتنم بوده و این اتفاق فرصتی برای بهترزیستن دیگر زندگان خواهد بود. ارجاعات نادرست تاریخی؛ آن‌هم از سوی دلسوزان و متخصصان مرمت و احیای بافت‌های تاریخی بسیار تعجب‌برانگیز است. ارجاع نادرست درباره زمان ساخت ساختمان تاریخی بلدیه، ارجاع نادرست درباره مدت حضور و علت تخریب آن و بی‌اشکال‌خواندن رعایت‌نکردن ابعاد تاریخی و ارجاع نادرست‌تر درباره تعریف ذی‌نفعان درجه اول! ارجاع درست درباره زمان ساخت ساختمان بلدیه سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۸ ه.ش و در زمان شهرداری کریم آقاخان بوذرجمهری است، ارجاع درست درباره مدت‌زمان حضور در میدان ۴۵ سال حد فاصل ۱۳۰۳ تا ۱۳۴۸ ه.ش است و نه زمانی کوتاه و علت تخریب آن انتقام‌جویی از مشروطه‌خواهان از سوی نهادهای قدرت است که این ساختمان یکی از نمادهای آن بوده و گرایشی افراطی به شیوه توسعه و نوسازی در مرکز شهر به شیوه غربی مانند آنچه درباره ساختمان تلگراف‌خانه اتفاق افتاد و نه اقدام براساس یک برنامه دموکراتیک و جامع.

به‌هرحال اهمیت تاریخی میدان امام خمینی (ره) (توپخانه) به دلیل روند زایش آن به‌عنوان یکی از میادین نوبنیاد حکومتی، شهری دوره قاجار و روند تکامل آن تا به امروز است. میدانی در شمال محدوده ارگ و با انگیزه‌های نظامی و پشتیبانی از حاکمیت وقت. این میدان با رشد شهر در دوران ناصری و شکل‌گیری محدوده حصار دوم، زاییده می‌شود و با رشد و تغییرات بعدی شهر همواره خود را با این تغییرات هماهنگ کرده و اشکال، ترکیب‌ها، شاخص‌ها و نمادهای متفاوتی به خود می‌گیرد. البته همواره از بدو پیدایش بار جدی و سنگینی از شهر را هم به دوش داشته است.

در روند تحولات کالبدی و عملکردی ایجاد ساختمان بلدیه در شمال (به‌عنوان نماد مدنی) ایجاد ساختمان تلگراف‌خانه از جنوب (به‌عنوان نماد تکنولوژی ارتباطات) ساختمان بانک در شرق (به‌عنوان نماد مبادلات مالی امروزین) و ساختمان شهربانی در غرب (به‌عنوان نماد امنیت زندگی شهروندان) در نوع خود نشانه‌ای از انطباق با کارکردهای پیشروی زمانه به جای عملکرد نظامی حکومتی قبلی بوده است. این‌همه نشانی از پایه‌گذاری شهروندی در دوران جدید است.

اولین کارخانه برق و اولین مدرسه دوران نو (دارالفنون) در مجاورت این میدان شکل می‌گیرند. تقاطع شش معبر شهری مهم با این میدان و دروازه‌ای که در محل اتصال آنها در مرحله اولیه ساخته می‌شود، نیز خود گویای دیگری از اهمیت نمادین میدان است. بناهای پیرامون میدان با تغییر و تحولات سریع یک قرن گذشته، تغییر کرده و خود نمودی از این تغییرات می‌شود و به‌این‌ترتیب رد تاریخ همواره بر چهره میدان باقی مانده است.

تغییر و تبدیل بانک شاهی به ساختمان کنونی بانک تجارت، تغییرات ساختمان بلدیه و در نهایت تخریب آن که خلأیی فضایی و حسی را در میدان به وجود می‌آورد، تغییرات ضلع غربی که در نهایت به ساخت ایستگاه اصلی تقاطعی متروی تهران در محوطه ارزشمند قورخانه منجر می‌شود و نیز تخریب تلگراف‌خانه و ساخت ساختمان بلند مخابرات، ساخته‌شدن ساختمان زیبای سبک ابتدای مدرن فولاد در ورودی خیابان امیرکبیر، ساختمان ارزشمند صندوق کاوه در ابتدای لاله‌زار در شرق میدان (که قبلا همسنگی در ضلع غربی میدان داشته) و نیز ساختمان آجری باقی‌مانده در ابتدای خیابان فردوسی که به موزه صنعتی اختصاص یافته، همگی نشان‌دهنده تأثیرپذیری شدید بناهای پیرامون میدان از تحولات دورانی است که بر شهر و میدان گذشته است.

شهر نشانه‌های همه تحولات کالبدی خود در سال‌های اخیر را تجربه کرده است؛ ولی از انقلاب اسلامی نشانه‌ای به غیر از ترمینال اتوبوس‌ها که خوشبختانه به جنوب محوطه قورخانه (و در ترکیب با ایستگاه مترو) انتقال یافت و سپس ترمینال تاکسی‌ها در محل بلدیه تخریب شده و دیگر اغتشاش‌های عملکردی و فضایی را با خود ندارد.

اکنون از سال‌های ۸۶ و ۸۷ تهران صاحب طرح جامع و تفصیلی (راهبردی و ساختاری) جدیدی با نگاه‌های نو و امروزین توسعه شهری شده و در طول چندسال اخیر روند اصلاح و همچنین تجربه هماهنگ‌شدن با نیازهای شهر را گذرانده است. باید اذعان کرد بخش عمده توان مدیریت شهری از پیشنهادات طرح جامع بر پایه توسعه فضاهای مسکونی، تجاری، خدماتی و بلندمرتبه‌سازی معطوف شده است.

اکنون با تحولات دیدگاه در مدیریت شهری، بخش مغفول‌مانده حقوق شهروندی و فضاهای عمومی شهری و به‌خصوص قلب تاریخی، فرهنگی شهر که شناسنامه و هویت این شهر را با خود به همراه دارد (در درجه اول حصار طهماسبی و مرحله بعد حصار ناصری)، نیازمند احیا و نگاه امروزین است؛ همان نگاهی که در موفق‌ترین شهرهای دوران اخیر، این مراکز را به قلب و مرکز تاریخی، فرهنگی، گردشگری و لاجرم موتور اقتصادی شهر بدل کرده‌اند. مرکز تاریخی، فرهنگی بالقوه تهران کلیدی مهم و واقعی برای ورود به خود را در دل دارد که راهگشای تحول کمی و کیفی در مرکز تاریخی، فرهنگی شهر و سپس کل شهر می‌تواند باشد.

این میدان به‌عنوان فضای پیوند دوره‌های گذشته بر شهر در این صدسال اخیر، فضای حضور مردم در میدانی است که به آن به‌عنوان محل هویت، تاریخ و شهر خود احساس تعلق کند. به همین دلایل معماری این مجموعه نه تکرار تاریخ در کارکرد که متأثر از همه این تحولات و در احترام به گذشته و روند شکل‌گیری محوطه‌های میدان و ساختمان‌های شاخص محدوده‌ها و خیابان‌های منتهی به آن پیشنهاد شده است که با چاشنی‌ای از معماری گذشته این سرزمین غنی شده است.

با توجه به عدم امکان تغییرات فوری و کلی در تردد ترافیکی شهر و در ضمن نیاز جدی به پیاده‌محوری و تکریم عابران پیاده در این محدوده و نیز تکیه اصلی تردد سواره بر حمل‌ونقل عمومی، کف‌سازی و نوع طراحی حرکت درون میدان، در احترام به پیاده، امنیت، آسایش و پیاده‌محوری طراحی شده است.

به همین منظور و برای هویت‌بخشی به فضای موجود میدانی به ابعاد تاریخی (۲۲۰×۱۱۰متر) طرح‌اندازی شده که بازسازی ساختمان بلدیه قدیم در شمال و لوان‌تور و نظمیه در غرب و ساختمانی در گوشه جنوب‌شرقی آنها را به هم پیوند می‌دهد. در سمت شمالی ساختمانی با همان ابعاد و ارتفاع ساختمان بلدیه با کارکرد خانه‌شهر در کنار میدانی که با طراحی شهری پیاده‌محور قرار است حیاط شهر باشد، مجموعه را کامل می‌کند. این بنای خانه‌شهر دو طبقه هم در زیر دارد که آن را مستقیما به ایستگاه مترو متصل می‌کند.

با ایجاد خانه شهر و عملکردهای منطبق شبانه‌روزی آن، پیشنهاد تبدیل ساختمان مخابرات به مرکز فناوری‌های امروزین برای استفاده عموم، بازسازی موزه صنعتی، احیای ساختمان صندوق کاوه در ابتدای خیابان لاله‌زار و ساختمان فولاد در ابتدای خیابان امیرکبیر با عملکردهای فرهنگی، آیینی و شهری و تکمیل مجموعه قورخانه در غرب میدان، این میدان به زندگی‌ای فراخور نقطه آغازین مرکز تاریخی، فرهنگی شهر و محل ورود به آن و نیز پالایش فضای ناکارآمد و مسئله‌زای کنونی و جلوگیری از شب‌مردگی محوطه‌های مرکزی که اکثرا کاربری‌هایی کاسب‌کارانه با عملکردی ضدفرهنگی دارند و از غروب به‌بعد به محدوده‌هایی مرده و آسیب‌زا تبدیل می‌شوند، خواهد انجامید. این‌گونه می‌توان زندگی شاداب شهری را به این مرکز مهم تاریخی، فرهنگی و خاطره‌انگیز شهر بازگرداند.

در این فرایند عدم بازسازی عمارت تاریخی بلدیه نه‌تنها فرصتی مغتنم برای اتصال بهتر به همسایگی‌های ارزشمند پیرامون آن نظیر میدان بهارستان، خیابان لاله‌زار، میدان مشق و بازار تهران نمی‌بود که فرصت بسیار ویژه‌ای را از ذی‌نفعان درجه‌اول آن؛ یعنی تمام مردم پایتخت سلب می‌کرد.

ادامه از صفحه ۸

نبض شهر در میدان توپخانه می‌زند

این فقر از کالبد میدان را شامل می‌شد تا رفتارهای شهروندی شهرنشینان حاضر در میدان.

به اعتبار عکس‌ها و فیلم‌های موجود از این دوران تصویر میدان دهه ۱۳۵۰ تصویر اضطرار و اضطراب حاکم بر شئونات شهرنشینان تهرانی بلکه ایرانی است؛ میدانی که تحت سلطه کامل ماشین قرار گرفت و تبدیل زمین عمارت شهرداری به پارکینگ (ابتدا سواری‌ها و سپس تا امروز پایانه اتوبوس و تاکسی) نشانی گویا و پویا بر این سلطه بود.

میدان با این صورت آشفته به استقبال دومین تغییر حاکمیت سیاسی ایران در طول حیات خود رفت. گرچه این بار و در این تغییر، میدان از کانون تظاهرات دور بود و برخلاف تحولات دوران مشروطه، اتفاقات مربوط به قدرت‌گرفتن رضاخان، اشغال تهران توسط متفقین، کودتای مرداد ۱۳۳۲ و قیام ۱۵ خرداد، تصویر میدان، تصویر غالب پس‌زمینه اتفاقات انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نبود.

شرایط پیچیده دوران تثبیت انقلاب و شرایط بس دشوار دوران جنگ فرصت پرداختن به جسم و جان شهرها را نمی‌داد و در این دوره آخرین ضربه‌ها بر پیکر زخمی میدان وارد شد. در ضلع جنوب غربی میدان به بهانه تجهیز کارگاه مترو عمارت راهنمایی رانندگی (نظمیه) و نیز ساختمان لیستر تخریب شده و تا امروز ناساخته باقی ماندند.

از طرفی دیگر و در پی بمب‌گذاری‌های اوایل دهه ۱۳۶۰ کالبد قدیم جنوب شرقی میدان تخریب شده و در پس نوسازی آن، سیمای این بخش از میدان محمل نمای پشتی ساختمان‌های جدیدی شد که هیچ نسبت و نسبی با میدان نداشتند.

میدان چاله آسیب

آنچه میدان در دهه‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ به طور کامل تجربه کرد، میزبانی ناخواسته «بافت اقتصادی آسیب‌رسان» و «بافت اجتماعی آسیب‌دیده» پیرامونش بود. میدان که زمانی حوض رونقش از آب زلال جاری در شش خیابان مجاورش پر می‌شد، سال‌هاست که مردابی شده میزبان هرزآب‌های رسیده از آنها. شاهد آنکه دیری است دیگر نه تهرانی‌ها و نه شهرستانی‌ها در آشفته‌بازار میدان عکس یادگاری نمی‌گیرند و در متونی که بناست معرف غنای پایتخت ایران باشند عکسی از میدان امام‌خمینی حضور ندارد. میدان یعنی ماشین و اگر عابرپیاده‌ای می‌بینی، یا برای خرید لامپ و کابل به لاله‌زار می‌رود یا از خرید لوازم یدکی اتومبیل در خیابان امیرکبیر بر می‌گردد یا بینوایانی هستند که در پی یافتن داروهای نایاب در بین تنگی پس‌کوچه‌های ناصرخسرو و فراخنای بی‌حصار میدان سرگردان‌اند و در چهره آنها نشانی از محبت و تعصب نسبت به سرنوشت میدان و شئونات آن یافت نمی‌شود.

واضح است که برای انجام اعمال فوق نیازی به فضایی فاخر و جذاب نیست و انتظار از فضایی این‌چنین تنها تأمین شرایط عبور است از این خیابان به خیابان دیگر و نهایتا چاله‌های ورود به مترو که عابران از میدان را به قصد فرار از میدان به خود می‌بلعند. حضور عنصر شهری مترو نیز در میدان با ایستگاه تبادلی خطوط ۱ و ۲ در حضور ۱۵ساله خود شخصیتی دیگر به میدان داده است. ورود مردم شهر به میدان به قصد خروج از آن صورت می‌گیرد. چه آنان که به زمین فرو می‌روند و چه آنانی که از آن سر بر می‌آورند هیچ‌کدام میدان را نمی‌خوانند و نمی‌خواهند بلکه طی ارض میدان به قصد تقرب به ایستگاه متروست و برعکس.

خوشبختانه در پی ظهور دو امر مبارک در دهه ۱۳۸۰، یعنی شکل‌گیری و بروز تمنای مدنی مردم شهر بر کیفیت فضای شهری و نیز اراده مدیریت شهری در سامان‌بخشیدن به سیمای شهر، حرکتی پیوسته در راستای طراحی میدان و ارتقای کیفی حیات شهروندی در آن آغاز شد. در پی این دو، پروژه طراحی و ساخت بنای خانه شهر در محل بلدیه سابق، گرچه با افت‌وخیزهای بسیار، شکل گرفت که امیدواریم در آینده نزدیک شاهد اتمام و بهره‌برداری از آن باشیم.

*** عضو هیئت علمی گروه معماری دانشگاه هنر**

****این متن از مقاله «میدان توپخانه از بودن تا شدن» نوشته همین نگارنده در کتاب «تهران‌شهر» (مجموعه مقالات) برگرفته شده است.**

مراجع و مآخذ:

- دوره روزنامه‌های اطلاعات ۱۳۰۵-۱۳۵۰، انتشارات روزنامه اطلاعات، شرکت ایران‌چاپ
- تهران پایتخت دویست‌ساله، زیر نظر شهریار عدل، برنار اورکاد، انتشارات علمی- فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵
- نگاهی به تهران از آغاز تا امروز، علی‌اکبر محمودیان، مؤسسه گیتاشناسی-تهران-۱۳۸۴
- عکس‌هایی از تهران قدیم، انتشارات سازمان زیباسازی شهر تهران، تهران، ۱۳۹۱
- مجموعه اسناد شورای تخصصی سیما و منظر سازمان زیباسازی شهر تهران، ۱۳۹۰-۱۳۹۳